

## سوژکتیویته توده جامعه در انقلاب ایران در آرای دوتوکویل و میشل فوکو

صادق ستوان<sup>۱</sup>، رضا بلوچی<sup>۲</sup>، مریم ایران نژاد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران و مدرس دانشگاه

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران و مدرس دانشگاه

<sup>۳</sup> کارشناسی علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

### چکیده

انقلاب ایران تبدیل به فرصت مناسبی برای آزمون نظریات موجود در باب انقلاب گشته و تابش انقلاب ایران بر این نظریات / تابش این نظریات بر انقلاب ایران خروجی های جالب توجه و قابل تأملی را در بر داشته است. در نتیجه ی گذر تئوری انقلاب از منشور انقلاب اسلامی ایران مجموعه ای از خروجی های نظری پدید آمدند که عبارت هستند از رهیافت های جامعه شناسانه، روانشناسانه، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. در این پژوهش سعی شده است از رهیافت فلسفی به طور کلی و فلسفه قدرت، گفتمان و انقلاب با سوژگی تأثیرگذاری به نام توده جامعه از دیدگاه دوتوکویل از باب انقلاب برابری و میشل فوکو از باب انقلاب معنوی مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه پژوهش نشان داد که در گفتمان هر دو نظریه پرداز مردم نقش تأثیرگذاری در به ثمر رسیدن و از آن مهمتر در دوام و پایداری انقلاب ایران داشته اند.

واژه های کلیدی: دوتوکویل، میشل فوکو، انقلاب برابری، انقلاب معنوی، انقلاب ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب های مشابه خود، نه تنها بزرگتر، شگفت انگیزتر و مؤثرتر بوده بلکه، غیرقابل پیش بینی نیز بوده است. تأثیراتی که انقلاب اسلامی در ابعاد داخلی، منطقه ای و بین المللی داشته است، بی شک آن را از سایر انقلاب هایی که با لفظ «بزرگ» شناخته می شوند، متمایز می سازد. از این دیدگاه مهمترین و در عین حال اصلی ترین مشخصه های انقلاب اسلامی ایران را باید در سه ویژگی عمده جستجو کرد: نخست؛ اینکه انقلاب اسلامی ایران مرهون رهبری مثال زدنی شخصیت بی نظیری بوده است که همه تحلیلگران بین المللی را مات و مبهوت ساخت تا آنجا که برخی از آنان رهبری امام خمینی (ره) را بی نظیر خواندند. هیچ یک از انقلاب های بزرگ تاریخ جهان، شاهد چنین رهبری نبوده اند. این انقلاب ها اساساً بر مبنای تهییج احساسات بنا شده بودند و از رهبری واحدی که بتواند با بسیج عمومی، اهداف انقلاب را آن گونه که مردم می خواستند، عملی سازد، برخوردار نبودند. با این وصف، باید دانست که حضرت امام (ره) با رهبری خود از یک سو، با بارور ساختن اراده ملت ایران، توانایی ها و ظرفیت های بالقوه آنان را بالفعل ساختند و از سوی دیگر، ظرفیت فقه شیعه را که سالها بود در انتظار ایفای نقش در عرصه سیاسی- اجتماعی بود، به حرکت درآوردند و نشان دادند که «سیاست ما عین دیانت ماست» سیاستی که همواره در نظام شاهنشاهی موروثی، با بی اعتنایی به دین و باورهای دینی مردم، زمینه وابستگی ملت ایران را به بیگانگان فراهم ساخته بود. دوم؛ اینکه انقلاب اسلامی ایران همانگونه که از نامش نمایان است، انقلابی دینی است. باور به اسلام که در اعماق روح و جان ملت مسلمان ایران ریشه دوانده است، منتظر فرصتی بود تا خود را در صحنه سیاسی جهان آشکار سازد. انقلاب اسلامی، نه تنها آغازگر این فرصت بود بلکه برای نخستین بار بر خلاف سایر انقلاب های بزرگ که مبتنی بر دین نبودند، دین را به عرصه سیاسی- اجتماعی وارد ساخت و از این رهگذر نه تنها دین به مثابه امری خصوصی تلقی نشد بلکه اجتماعی ترین و سیاسی ترین جنبه زندگی انسان را معنا کرد. انقلاب اسلامی ایران این شعار کهنه و ارتجاعی را که سکولاریسم باید در عرصه سیاست حاکم باشد کنار زد و دین را به عنوان زنده ترین و در عین حال پویاترین بخش زندگی سیاسی- اجتماعی ارایه کرد. نقش اسلام در انقلاب اسلامی نقشی فراتر از آن چیزی است که تحلیلگران تا آن زمان تلقی می کردند. وقوع انقلاب اسلامی در جهانی که سکولاریسم در آن یک ارزش تلقی می شد، نشان داد که غرب باید ارزش های خود را از نو بازسازی کند؛ زیرا این ارزش ها بیش از آن که بتوانند برای سایر کشورها تجویزپذیر باشند، در حال اضمحلال هستند و انقلاب اسلامی ایران آخرین میخ را بر تابوت سکولاریسم به ویژه در خاورمیانه کوبید.

انقلاب ۱۹۷۹م در ایران، یکی از شگفت انگیزترین رویدادهای پایانی سده بیستم است؛ به طوری که از آن زمان تاکنون اندیشمندان مختلفی تحلیل های متفاوتی درباره علل و ماهیت آن ارائه کرده اند و کتاب ها و نظریه های مختلف و حتی متناقضی درباره این رخداد سیاسی غیرمنتظره به انتشار رسیده است. به طور کلی، بحث درباره نوع انقلابها و علل پیدایش آن، همواره یکی از دغدغه های عالمان سیاست در برهه های مختلف تاریخ، از ارسطو به این سو بوده است. انقلاب ها همواره وجود داشته و دارند و به سبب ماهیت غیرمنتظره و پیامدهای تأثیرگذارشان بر حیات بشری به عنوان موضوعی برای تأمل سیاسی قرار می گیرند (یحیوی و زارعی، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

در این پژوهش سعی شده است عنصری به نام مردم در آرای نظریه پردازان انقلابی چون دوتوکویل و فوکو مورد بررسی قرار گیرد. هر دو نظریه پرداز در گفتمان انقلابی به حضور مردم به عنوان نیروی محرکه تغییرات کلان سیاسی اشاره کرده اند و سعی شده است جایگاه و موقعیت مردم ایران در این تحول عظیم را مورد واکاوی قرار دهیم.

## انقلاب اسلامی و فوکو

تعریفی که فوکو از انقلاب اسلامی به طور کلی می کند این است که ابزار و راهی که «سوپرکتیویته» وارد تاریخ شده و به آن حیاتی دوباره می بخشد. انقلاب در این معنا، فرصتی را برای اراده معطوف به آزادی فراهم کرده تا در پیوستگی تاریخ، گسستی ایجاد کند و سوپرکتیویته را به شیوه ای جدید بازسازی کند (شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

نکته جالبی که توجه میشل فوکو را به انقلاب اسلامی جلب می کند این است که محتوای این انقلاب دینی می باشد. انقلابی که فوکو آن را نخستین قیام بزرگ بر ضد نظم جهانی موجود (نظمی که نوعی بار سنگین بر پشت همه است) می داند که در نوع خود مدرن ترین و دیوانه ترین صورت شورش است (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۱).

تصویری که فوکو از همان ابتدا از انقلاب ایران داشت، ایده آل فلسفی او بود. وی انقلاب اسلامی ایران را به خاطر خروش یک ملت و اراده جمعی آنان به شکست جریان مدرنیسم تعبیر می کند و به همین دلیل اعتقاد دارد که مدرنیزاسیون در ایران ناکام مانده است (فوکو، ۱۳۷۷: ۴۱). بدین معنی که انقلاب اسلامی تلاشی است تا سیاست، یک بُعد معنوی پیدا کند. بدین ترتیب از دید فوکو، زبان شکل و محتوای مذهبی انقلاب اسلامی ایران امری عارضی، اتفاقی و تصادفی نیست. بلکه شیعه دارای مکتب مقاومتی است که در طول تاریخ به ایفای نقش در مقابل ظلم و ستم قدرت های حاکمه پرداخته است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

نکته جالب توجه اینکه فوکو از اراده ای کلی صحبت می کند که شبیه اسطوره ای سیاسی و ابزاری نظری است که هرگز کسی آن را ندیده است و به اعتراف وی اراده جمعی مثل خدا یا روح است که هرگز کسی نمی تواند با آن روبرو شود؛ در اینجاست که فوکو به مکتب اسلام به عنوان نیرویی که انقلابیون را با دست های خالی در برابر یکی از مدرن ترین ارتش های دنیا قرار می دهد، اشاره می کند (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۷). بدین ترتیب، در هسته اصلی گفتمان انقلابی، اسلام به مثابه یک دال متعالی نشسته است. محتوای بسیار غنی این گفتمان چنان بود که همه جوانب زندگی آدمی را دربر گرفته و سیاست را همنشین دیانت کرده و هر دو را بر سیمای عرفانی تزیین نموده و هر سه را در کنش اجتماعی به منزله تئوری راهنمای عمل نشانده بود (تاجیک، ۱۳۷۸: ۱۶).

فوکو از جمله نقاط متمایز انقلاب ایران با سایر انقلاب های جهان را در این می دید که در این انقلاب هیچ یک از دو ویژگی کلاسیک حرکت های انقلابی معمول یعنی مبارزات طبقاتی یا اقدامات انقلابی طبقه پیشرو وجود نداشت (خرمشاد، ۱۳۷۷: ۲۱۳). و به جای آن از اراده جمعی سخن می گوید که در چهره مراسم و نمایش های مذهبی، مجال طبیعی برای ظهور و بروز یافته و خلاء فقدان گروه ها و یا طبقات پیشتاز، حزب حرفه ای، انقلابی و ایدئولوژی سیاسی را ترمیم می کرد. فوکو درمان درد بشریت قرن بیستم را در معنویت می جوید که پرچمدار آن انقلاب اسلامی است (فوکو، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

بی تردید آنچه جهان امروز را به طور کلی و تمدن غرب را به طور خاص دچار بحران کرده، خلأ معنوی و کمبودی است که به گفته فوکو، جهان را بی روح کرده است. لذا گفتمان انقلاب اسلامی درصدد ارائه تعریف جدیدی از عقلانیت است. عقلانیتی که در آن معنویت، سهم و جایگاه عظیمی دارد از نظر فوکو این همان ویژگی اختصاصی انقلاب اسلامی ایران است که آن را از

دیگر انقلاب‌ها متمایز کرده و آن را به الگوی جدیدی تبدیل می‌نماید. نوآوری انقلاب اسلامی ایران در میان سلسله انقلاب‌های موجود، همین جمع بین عقلانیت و معنویت در سیاست است (خرمشاد، ۱۳۷۷: ۲۲۱).

### ظهور اراده جمعی در انقلاب اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی که فوکو به آن تأکید می‌ورزد، وجود اراده عمومی است. اراده عمومی میراث روسو است. وی «اراده عمومی» را با مفهوم «همبستگی» پیوند می‌زند که این همبستگی بین افراد جامعه صورت می‌پذیرد. به نظر روسو این همبستگی عبارت است از مشارکت مستمر، آزاد، خود به خود و فزاینده در امری که به عنوان خبر حقیقی همه شریکان دانسته می‌شود (جونز، ۱۳۷۶: ۴۶).

به زعم فوکو آنچه به اراده عمومیت می‌بخشد، نفع مشترک است. فوکو در جنبش انقلاب اسلامی ایران این اراده عمومی را می‌بیند. وی بر این باور است که با ظهور حالت دو قطبی در جامعه ایران یک قطب رژیم و اعمالش بود و قطب دیگر همه مردم ایران و شکل‌گیری اراده عمومی در برکناری شاه و رژیم پهلوی وجود داشت.

«پزشک تهرانی، ملای شهرستانی، کارگر نفت و کارمند پست و دانشجوی چادری همه یک اعتراض و یک خواست دارند. در این خواست چیزی هست که مایه تشویش خاطر است، همیشه صحبت از یک چیز است، یک چیز واحد و بسیار مشخص: شاه باید برود» (فوکو، ۱۳۸۶: ۶۴).

از این رو، اراده عمومی را می‌توان در همه اقشار اجتماعی زن و مرد، فقیر و غنی، مذهبی و غیر مذهبی و... که از بین رفتن حکومت پهلوی بود مشاهده کرد.

فوکو مفهوم اراده عمومی را در یک شبکه‌ای از مفاهیم همانند اسلام و قدرت مرتبط می‌داند. اراده و خواست جمعی در چهره مراسم و نمایش‌های مذهبی، مجال طبیعی برای ظهور و بروز یافته و خلأ فقدان گروه‌ها و یا طبقات پیشتاز، احزاب حرفه‌ای انقلاب و ایدئولوژی سیاسی را ترمیم کرد. بدین معنا در جریان انقلاب، مذهب زبان گویای اراده و خواست عمومی شد و چهره‌ای خاص و متمایز به انقلاب بخشید.

### انقلاب اسلامی و دو توکویل

الکس دو توکویل در علل اصلی انقلاب از اموری نظیر از هم پاشیدگی بافت اجتماعی، شکاف طبقاتی، تخریب لایه‌های میانی، مقاومت خشک و متحجرانه نظام سیاسی کهنه شده در مقابل شرایط جدید اجتماعی، نضج و رشد افکار و عقاید آزادی خواهانه انقلابی و... نام برد (۱۹۵۲). ولی نکته جالب توجه در نظریه او این است که به اعتقاد او «همیشه چنین نبوده است که انقلاب‌ها در زمان وخیم تر شدن اوضاع پیش آمده باشند، بلکه برعکس انقلاب غالباً زمانی پیش می‌آید که مردمی که دیر زمانی با یک حکومت ستمگر بدون هر گونه اعتراض کنار آمده‌اند، یکباره دریابند که حکومت فشارش را تخفیف داده است و آنگاه است که علیه حکومت اسلحه به دست می‌گیرند. از این روی، نظام اجتماعی‌ای که به وسیله یک انقلاب سرنگون می‌شود، همیشه

از نظام اجتماعی ای که بلافاصله پیش از آن برقرار بوده است بهتر است و تجربه به ما می آموزد که عموماً خطرناک ترین لحظه برای یک حکومت بد زمانی است که آن حکومت بخواهد روش هایش را اصلاح کند. تنها کارکشتگی در سیاست می تواند تاج و تخت پادشاهی را نجات دهد که پس از یک فرمانروایی ستمگرانه طولانی بخواهد وضع رعایایش را بهبود بخشد. مردمی که مدتی دراز بدون هر گونه امید تلافی بردبارانه ستم را تحمل کرده باشند، هر گاه که امکان رفع آن ستم یکباره به دهنشان خطور نماید، گلایه شان به ناشکیبایی تبدیل خواهد شد. همین که برخی از بد رفتاری های چاره می شوند، توجه آنها به بد رفتاری های دیگر جلب می شود و نوبت به آن می رسد که این بد رفتاری های دسته دوم سهمگین تر به نظر آیند. در این شرایط مردم ممکن است کمتر رنج بکشند، اما حساسیت آنها شدیدتر می شود» (توکویل، ۱۳۶۹:۳۲۴).

به همین دلیل به نظر او «درست در آن نقاطی از فرانسه که بیشترین بهبود زندگی را به خود دیده بود ناخرسندی همگانی در اوج خویش بود» (همان، ۳۲۳) به اعتقاد او آن چه در نهایت طومار زندگی رژیم پیشین را در فرانسه به هم پیچید عبارت بود از این که «از یک سو، ملتی بود که عشق به ثروت و تجمل در میان آن هر روزه گسترش میافت و، از سوی دیگر، حکومتی که از یک جهت پیوسته به این شوق دامن می زد و از جهت دیگر از تحقق آن جلوگیری می نمود. همین تناقض مرگبار بود که مرگ رژیم پیشین را رقم زده بود» (همان: ۳۲۹).

### نتیجه گیری

دوتوکویل و میشل فوکو در نظریات خود با رهیافت های متفاوت حضور و قدرت مردم را در انقلاب اسلامی مورد سوژگی خود قرار داده اند و در نظریه های آنها کاملاً مشهود است که قوه محرکه ی جامعه برای حرکت به سمت جامعه برابر و / انقلاب برابر دوتوکویلی و انقلاب معنوی فوکویی نقش مؤثر و اصلی را بازی می کنند. شاید در ابتدای مسیر نظری راه این دو نظریه پرداز از هم جدا باشد ولی با نگاه عمیق می توان دریافت که ستون و شاکله ی اصلی این دو حوزه نظری مردم هستند. مردم نه تنها به عنوان ابزار بلکه به عنوان قوه تفکر مشورتی با جامعه روشنفکران می توانند دست به تغییرات بزنند. در این پژوهش می توان اینگونه نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران از جنس مردمی بوده و توده جامعه از خود بیگانگی مارکسی را کنار گذاشته و با به وجود آوردن اصناف، گروه ها و شبکه ها توانسته اند به آگاهی دست پیدا کنند. و رهایی از این خود بیگانگی توسط خود حاکمیت دوران برای قرار گرفتن در مسیر توسعه انجام گرفت ولی نتوانست بر آن کنترل داشته باشد. در فرآیند فکری انقلاب ایران، انقلاب های عربی دیگری با آگاه سازی جوامع عربی شکل گرفت و توانستند تغییرات سیاسی کلانی را به وجود آورند. براساس نظریه انقلاب دوتوکویل در تداوم، پویایی و زنده ماندن انقلاب لازم است با تغییر جوامع تغییرات فرهنگی به طور عام و تغییرات فکری به طور خاص صورت گیرد و فرهنگ انقلاب پا به پای فرهنگ جوامع پیش رود و با نظام فکری کشور ها همسو باشند.

## منابع

- تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۸). میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران: بقیه  
خرمشاد، محمد باقر. (۱۳۷۷). «فوکو و انقلاب اسلامی ایران معنویت گرایی در سیاست»، پژوهشنامه متین، ش ۱، ص ۲۲۴-  
۲۰۹.
- شجاعی جوشقانی، مالک. (۱۳۹۱). درآمدی فلسفی تاریخی به روشنگری (از کانت تا فوکو)، تهران: نشر علم.  
فوکو، میشل. (۱۳۷۷). ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه حسن معصومی همدانی، تهران: هرمس.
- (۱۳۷۹). ایران، روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران: نشر نی.  
----- (۱۳۸۹). نظم اشیا دیرینه شناسی علوم انسانی، ترجمه یحیی امام، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و  
اجتماعی
- جونز، وت. (۱۳۷۶). خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران: نشر نی.
- دو توکویل، الکس. (۱۳۶۹). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نقره، چاپ دوم ص ۳۲۴.

